

کانون وکلای

سال هشتم

مرداد و شهریور ۱۳۳۵

شماره ۴۶

مرئضی نهاوندی غروی
وکیل پایه يك دادگستری

تعارضی اوصیاء در امر وصایت

اساساً باید دانست وصایت چیست و وصی کیست ؟

وصایت و یا باصطلاح قانون مدنی وصیت عهدی عبارت است از اینکه شخصی یک یا چند نفر را برای انجام امر و یا اموری یا تصرفات دیگری مأمور مینماید و مأمور انجام امر و یا امور و تصرفات دیگر بنام وصی خوانده میشود .

وصی قبل از فوت موصی حق رد وصیت را خواهد داشت (بشرط اینکه رد وصی بموصی اعلام شده باشد) و در غیر اینصورت وصی حق رد وصایت را نخواهد داشت .

در یک چنین موردی اگر وصی نخواهد بوصایت عمل کند آیا صرفاً منعزل خواهد شد و دیگر مسئولیتی متوجه او نخواهد شد و یا آنکه علاوه بر انعزال بواسطه عدم دخالت وصی اگر اموالی از موقوفی علیه او تفریط شود ضامن خواهد بود در اینموضوع اختلاف نظر میباشد .

علما معتقد هستند که اگر برای وصی در چنین موردی مسئولیت قائل شویم آزادی افراد محدود خواهد شد ولی بعقیده اینجانب وصی که ملزم بقبول وصایت میباشد میبایستی برای اوضمانی فرض نمود زیرا در غیر اینصورت الزام وصی بقبول وصایت ضمانت اجرایی نخواهد داشت .

بعلاوه در ماده ۸۵۹ قانون مدنی وصی ملزم است که بر طبق وصایای موصی رفتار کند و الا بر حسب ماده مزبور ضامن و منعزل است و در این ماده فرقی بین وصی اجباری و وصی که بالاختریار وصایت را قبول کرده گذاشته نشده است . با شناختن مفهوم وصایت و وصی حال باید دید شرائط وصی چیست .

تعارض اوصیاء در امر وصایت

برای انتخاب وصی در قانون مدنی هیچ شرطی ملحوظ نشده جز آنکه بموجب ماده ۱۱۹۲ از آن قانون ولی مسلم نمیتواند برای مولی علیه خود وصی غیر مسلم معین کند.

شرط عدالت که عبارت است از عدم ارتکاب جنایت و جنحه های مهم برای قیمی که از طرف دادگاه شرع تعیین میشود و در قانون مدنی در نظر گرفته شده برای وصی منظور نشده است و نیز موصی میتواند زنی را هم بوصایت تعیین کند و زن هم بعد از فوت موصی مکلف بقبول وصایت میباشد ولی برای قیمومت زن میبایستی پس از اجازه شوهر قیمومت را قبول کند.

بنا بر این هر شخصی میتواند هر شخص دیگری را برای تقسیم اموال و یاد دخالته و نظارت در ثلث خود تعیین نماید ولی در مورد ولایت بر صغار فقط پدر و جد پدری میتوانند برای سرپرستی اموال و ولایت بر اطفال صغیر خود وصی تعیین نمایند و این وصی را ولی منصوب میخوانند زیرا از طرف ولی اجباری یا قهری صغیر بولایت تعیین گردیده است.

پدر و جد پدری هر یک در نبودن دیگری میتوانند برای ولایت بر صغیر خود یک و یا چندین وصی تعیین کنند در صورتی که برای اوصیاء تصریح باستقلال هر یک در وصایت شده باشد هر یک از اوصیاء میتوانند مستقلاً در اسوا و ترییت صغار مولی علیه خود اقدام کنند و الا میبایستی مجتمعاً امور صغیر را عهده دار شوند بحث ما از این نقطه شروع میشود.

آن بحث اینست که در ماده ۸۵۴ قانون مدنی اجازه داده شده که دوقر یا بیشتر که هر دو دارای استقلال فکر و ممکن است دارای افکار متغییری هم باشند مأموریت انجام امر و با اموری بآنها داده شود که گاه اتفاق میافتد بواسطه اختلاف نظر اوصیاء موضوع مأموریت آنها غیر قابل انجام تصور شود.

همچنین در مورد وصی و ناظر استصوابی اغلب اتفاق افتاده که ناظر استصوابی بصحیح و یا بر حسب اغراض عملیات وصی را تصویب نکرده و باعث توقف در امر وصایت شده است.

تنها این اشکال مربوط بامر وصایت نیست و در باب وکالت و ولایت پدر و جد پدری نیز نظیر این اشکال بنظر میرسد. زیرا در ماده ۶۶۹ قانون مدنی اجازه داده شده است که موکل میتواند چند نفر وکیل برای خود تعیین کرده و هر یک را در موضوع وکالت مستقل قرار دهد.

همچنین بموجب ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی هر یک از پدر و جد پدری نسبت باولاد خود ولایت دارند در اینصورت دوقر وکیل که هر یک استقلال در فروش اموال موکل خود را دارا باشند و همچنین پدر و جد پدری طفل صغیر که هر یک مستقل در نقل و انتقالات اموال مولی علیه خود هستند در صورتی که معامله متعاضی کنند تکلیف چیست؟

در بعضی از موارد ممکن است اعمال وکلاء و اعمال پدر و جد پدری را که

تعارض اوصیاء در امر وصایت

بر حسب ظاهر متعارض هستند برای رفع تعارض بر حسب اصول عمل یک کدام از آنها را تصویب نمود مثلاً جد پدری در معامله خیاری از اختیار خود در فسخ معامله استفاده کند و معامله مربوط بصغیر را فسخ کند ولی پدر از حق خیار خود صرف نظر نماید در این مورد میتوان گفت که فسخ مقدم بر عدم استفاده از اختیار فسخ میباشد و همچنین وکیلی که از حق فرجام خود صرف نظر نموده و آن حق را اسقاط کرده مقدم است بر آن حتی که وکیل دیگر بوسیله دادن عرضحال فرجامی از آن استفاده نمود.

ولی گاهی موضوع اعمال دونفر وکیل و پدر وجد پدری در مورد تعارض قابل حل نیست جز آنکه هر دو حق اسقاط شوند مانند آنکه وکلاء و یا پدر وجد پدری در یک تاریخ معامله متعارضی نمایند مثل اینکه پدرخانه مولی علیه خود را بزیاد بفروشد و در همان تاریخ جد پدری همان خانه را بدیگری انتقال دهد در این صورت تنفیذ معامله هر یک ترجیح بلا مرجع است ولی بقاعده **اذا تعارضتا ساقطا** هر دو معامله محکوم بطلان خواهند شد و همچنین این حکم در مورد تعارض اعمال دونفر وکیل نیز جاری است.

در مورد تعارض ناظر با وصی و یا تعارض اوصیاء در مورد وصایت نمیتوان تنها اعمال متعارض آنها را موجب سقوط دانست زیرا در این صورت تکالیفی را که موصی تعیین کرده متوقف خواهد شد و بعلاوه در مورد سرپرستی صغیر اختلاف اوصیاء موجب بدبختی و عدم تربیت صغیر خواهد شد چه آنکه اگر فرض کنیم وصی برای تربیت صغیر طریق تربیت او را تحصیل در امور دینی دانسته و بخواهد مولی علیه خود را در مدارس دینی تربیت کند و وصی دیگر عقیده برخلاف او داشته و بخواهد مولی علیه خود را بوسیله اعزام باروفا و تحصیل در مدارس آنجا تربیت کند این اختلاف قابل حل نیست مگر آنها را معزول نمود بنا بر این باید شقوق تعارض اوصیاء را بیان نمود.

الف - دونفر وصی هر گاه میبایستی آنها مجتمعاً عمل بوصایت نمایند و بین آنها اختلاف حاصل شود یک مرتبه اینست که یکی از اوصیاء حاضر برای انجام امر وصایت نیست و با آنکه نظر او با وصی دیگر اختلاف داشته و اختلاف آنها بشرحی که فوقاً ذکر شد قابل جمع نبوده و نمیتوان رای و عقیده وصی را بر آن وصی دیگر ترجیح داد.

در این مورد محکمه میتواند هر دو وصی را معزول کرده و بجای آنها دیگری را تعیین کند زیرا ممکن است وصی دیگر تقصیری نداشته باشد ولی پس از عزل وصی متخلف دیگر وصی وجود نخواهد داشت برای آنکه مجموع آنها وصی بوده اند نه فرد فرد آنها تا عزل هر یک تأثیری در وصایت دیگری نداشته باشد.

ب - در صورتی که اوصیاء هر کدام به تنهایی و بالانفراد وصی موصی باشند در صورتی که تخلف هر یک بطور وضوح معلوم شود آن متخلف از وصایت معزول خواهند شد و دیگری در وصایت باقی بوده و باید بجای وصی معزول وصی دیگری تعیین کرد.

ج - و اگر نتوان تشخیص نمود که نظر کدام یک از اوصیاء صحیح و نظر دیگری صحیح نیست و بالاخره کدام یک از آنها برخلاف نظر موصی رفتار کرده اند دادگاه میبایستی

تعارض اوصیاء در امر وصایت

هر دو وصی را از وصایت معزول و بجای آنها دیگری را تعیین کند زیرا تخلف یک نفر از اوصیاء از نظر موصی محقق میباشد ولی معلوم نیست کدام یک از آنها برخلاف نظر موصی رفتار کرده است.

در این مورد قاعده تأشیهه محصوره ملاک خواهند شد و باید از هر دو اجتناب نمود و بالنتیجه هر دو نفر وصی معزل خواهند شد و بجای آنها اوصیاء دیگری باید تعیین شود.

در مورد اختلاف ناظر استصوابی باوصی در صورتی که حاکم شرع اعمال وصی را تصویب نماید احتیاجی بتصویب ناظر نبوده و حتی ممکن است ناظر دیگری از طرف دادگاه شرع برای تصویب اعمال وصی تعیین گردد. اگر وصی برخلاف مقررات و منظور موصی رفتار نموده باشد بدیهی است از وصایت معزل شده و در صورت تعدی و تفریط نیز مسئولیت خواهد داشت.

